

تاریخ سیاسی افغانستان معاصر

مؤلف: سردار ۲۶ سرطان ۱۳۵۲

و

جمعه ۱۵ دلو ۱۳۵۲

ابوذر پیرزاده غزنوی



مؤسسه انتشارات عرفان

تهران، ۱۳۹۳

www.ketab.ir

سرشناسه	: پیرزاده غزنوی، ابودر، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ سیاسی افغانستان معاصر؛ کودتا ۱۳۵۷-۱۳۵۸ و جمهوری داوودخان / ابودر پیرزاده غزنوی
مشخصات نشر	: تهران : مؤسسه انتشارات عرفان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۹۹ ص. : مصور.
شابک	: ۳۰۰۰۰۰ ریال : 978-600-6580-35-7
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.	
موضوع	: افغانستان - تاریخ - ۱۳۵۷-۱۳۵۲.
موضوع	: داوودخان، محمد، ۱۳۵۷-۱۲۸۸.
موضوع	: افغانستان - سیاست و حکومت ۱۳۵۷-۱۳۵۲.
موضوع	: افغانستان - روابط خارجی - قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ت ۲ پ ۹ / ۲ / ۳۷۱ DS
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۱ / ۱۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۹۲۲۴۲



مؤسسه انتشارات عرفان

● تاریخ سیاسی افغانستان

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و جبهه ملی داهودخان

○ مؤلف: ابوذر پیرزاده غزنوی

○ طراح جلد: سید محسن حسینی

○ حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (ناظمی)

○ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

○ لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع طیف‌نگار

○ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

○ قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

○ شابک: ۷-۳۵-۶۵۸۰-۶۰۰-۹۷۸

● حق چاپ در افغانستان و ایران برای مؤسسه انتشارات عرفان محفوظ است

نشانی

تهران، خیابان سمیه، بین چهارراه دکتر مفتاح

و خیابان رامسر، پلاک ۱۱۸، طبقه سوم، واحد ۶

تلفن: ۸۸۳۰۰۳۴۵ فاکس: ۸۸۸۱۱۰۵۳

کابل، چوک دهبوری، چهارراه شهید، مؤسسه انتشارات عرفان

تلفن: ۷۹۹۳۴۹۷۲۷-۰۰۹۳

بخش در ایران

بخش کتاب گزیده: خیابان فخر رازی، بالاتر از لبافی‌نژاد، پلاک ۳۳

تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷

۶۶۴۹۲۹۶۲

اهدای مجاهدان فی سبیل الله، به شهدای جهاد اسلامی افغانستان،
به سنگرداران سنگرهای حق علیه باطل، به حماسه آفرینانی که در
برابر استداد الحاد مستبدان و متجاوزان مردانه ایستادند.

به انجمن به پاساد و شهادت و با ایثار خون و اهدای جان و مال
خویش در راه آزادی و استقلال و اشغالگر سرخ را از میهن اسلامی شان
بیرون راندند و دولت های کودتایی و سفاک کمونیستی حاکم بر
کابل و بزرگترین امپراطوری تاو زگر قرن حاضر، اتحاد شوروی را
به زیاله دان تاریخ افگند.

فهرست مطالب

۱۳	□ مقدمه‌ی مؤلف (چاپ اول)
۱۹	□ مقدمه‌ی مؤلف (چاپ دوم)
۲۱	□ مقدمه‌ی مؤلف (چاپ سوم)
۲۳	□ مقدمه‌ی مؤلف بر چاپ چهارم
۲۵	□ تقریظ استاد افضل‌ی
۲۷	□ تقریظ استاد میری

فصل اول

۲۹	کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و آغاز کار دولت موقت
۲۹	ماهیت کودتای ۲۶ سرطان و عکس‌العمل‌های اقشار و گروه‌های مختلف جامعه در برابر آن
۳۷	محمدداوود چه زمانی تصمیم به کودتا گرفت و چرا کودتا به وقوع پیوست؟
۴۸	نخستین اقدامات و تحرکات کودتاچیان
۴۹	آمار تلفات کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲
۵۰	اعلام رسمی کودتا و نظام جمهوریت و با خبر شدن همه‌ی مردم از
۵۵	تأسیس کمیته‌ی مرکزی دولت جمهوری کودتایی و اعلام نخستین کابینه
۵۸	ویژگی‌های کابینه‌های دولت محمدداوود
۶۵	لیست اعضای کابینه‌های دولت جمهوری
۶۶	بیانیه‌ی محمدداوود خطاب به مردم و اعلان خط مشی واقعی دولت کودتا
۷۳	کودتا یا انقلاب؟!

فصل دوم

۷۷	عواملی که باعث پیروزی کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ شد
۷۷	وجهات سیاسی و ملی محمدداوود و حضور او در رأس کودتا
۷۹	عدم جرأت و عکس‌العمل حکومت محمد موسی شفیق در برابر کودتا

- ۸۱ اعتماد بیش از حد شاه و پسرش به محمد داوود
- ۸۲ سازش و همکاری مأمورین ارشد دولتی و استخباراتی رژیم شاهی با محمد داوود و چپی‌ها
- ۸۴ خودخواهی و غرور بی جای سردار عبدالولی فرمانده کل قول اردوی مرکزی
- ۹۱ بی‌خبری و غفلت وزیر دفاع ستر جنرال خان محمد خان و دیگر جنرالان اردو
- ۹۴ عدم مقاومت، و تسلیم شدن بی‌چون و چرای مقامات عالی رتبه‌ی غیر نظامی
- ۹۶ عدم محبوبیت رژیم شاهی در بین مردم و وضعیت نابسامان آن
- ۱۰۳ سوء استفاده از نام جمهوری
- ۱۰۴ استعفای محمد ظاهر شاه از مقام سلطنت

فصل سوم

- ۱۶۵ دلایل اثبات‌کننده‌ی انحلال اتحاد شوروی در کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲
- ۱۶۵ سهم‌گیری تانک‌ها و پسران روسی در هدایت و اجرای برنامه‌ی کودتا
- ۱۶۶ طراحی و اجرای کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و مشارکت غیر علنی روس‌ها در آن
- ۱۱۸ مشارکت فعال و علنی حزب دموکراتیک خلق در کودتا
- از همکاری‌های پنهانی سران حزب خلق با محمد داوود و کمک و حمایت بی‌دریغ آن حزب از
- ۱۲۴ کودتاچیان
- ۱۲۷ تبلیغات حزب دموکراتیک خلق به نفع کودتا
- ۱۳۰ استقبال و حمایت علنی روس‌ها و احزاب و اساتید بنیان از کودتا

فصل چهارم

- ۶۳۳ برنامه‌ها و اقدامات و تغییرات اصلاحی و عمرانی و اقتصادی رژیم محمد داوود
- ۶۳۴ اقدامات و تغییرات اصلاحی در ارتش و وضعیت قوای مسلح در زمان جمهوریت
- ۶۴۹ تغییر دادن نشان و رنگ بیرق = «پرچم» افغانستان
- ۶۵۰ تهیه و ساخت سرود ملی جدید
- ۶۵۱ برنامه‌ی اصلاحات ارضی و مالیات مترقی
- ۱۵۸ لویه جرگه و تصویب قانون اساسی سال ۱۳۵۵ رژیم جمهوری محمد داوود
- ۱۸۵ اعلام کابینه‌ی دوم و بنیان‌گذاری حزب انقلاب ملی
- ۱۸۷ برنامه‌ی هفت‌ساله‌ی اقتصادی
- ۱۹۲ احداث پروژه‌ی تلویزیون
- ۱۹۳ تأسیس مطبوعات و نشریات جدید
- ۱۹۷ سایر برنامه‌ها و اقدامات و تغییرات اصلاحی و اقتصادی رژیم محمد داوود

فصل پنجم

- ۲۰۳ برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه‌ی امنیتی رژیم کودتایی جمهوری

۲۰۴	تعطیلی مطبوعات غیر دولتی و ممنوع شدن نشریات اسلامی
۲۰۷	ممنوع شدن فعالیت‌های احزاب سیاسی
۲۰۹	دستگیری و اعدام محمدهاشم میوندوال و دیگر شخصیت‌های سرشناس کشور
۲۱۰	میوندوال چگونه و به وسیله‌ی چه کسی دستگیر و زندانی شد؟
۲۱۲	نقرات دیگر بازداشت‌شده به همراه محمدهاشم میوندوال
۲۱۵	چگونگی شکنجه شدن میوندوال و همراهان او به وسیله‌ی مأموران رژیم داوودخانی
۲۱۷	میوندوال چگونه و توسط چه کسی به قتل رسید؟
۲۲۰	چگونگی کشته شدن و مجازات همراهان میوندوال
۲۲۳	علت دستگیر شدن و مجازات میوندوال و همراهان او
۲۲۵	آیا میوندوال معاً کودتا می‌کرد؟
۲۲۸	ایجاد سازمان اوستی و مسئولیت‌های اداره‌ی مصونیت ملی
۲۳۴	اعمار زندان مخوف لجرش
۲۳۷	اتحاد مجدد دو جناح خلق و احزاب دموکراتیک خلق

فصل ششم

۲۴۷	سرکوب و کشتار مسلمانان مبارز و آغاز قیام‌ها مسلحانه‌ی اسلامی علیه رژیم کودتا
۲۴۹	نخستین اقدام نظامی مبارزان مسلمان بر سر رژیم کودتا محمدداوود و ...
۲۵۲	قیام نظامی سال ۱۳۵۳ هجری شمسی و به شهادت رسیدن انجنیر حبیب‌الرحمان
۲۵۵	قیام مسلحانه‌ی اسلامی ۱۳۵۴ هجری شمسی و پیوندهای بعدی آن
۲۶۰	اقدام نظامی جنرال میراحمدشاخان گردیزی و گرفتاری آن جنرال مبارز و همراهان ایشان
۲۶۴	فعالیت‌های مبارزاتی مبارزان مسلمان شیعه
۲۶۸	در صورت پیروزی مبارزان مسلمان و قیام‌های اسلامی چه کسی رئیس دولت می‌شد؟
۲۷۰	پیامدهای اقدامات نظامی و قیام‌های اسلامی برای نهضت و مبارزان مسلمان
۲۷۵	دستگیری و زندانی شدن مولانا فیضانی و تعدادی از هم‌فکران وی
۲۷۹	مهاجرت حضرت صاحب صبغت‌الله مجددی و بازداشت موقت ...
۲۸۴	اختلافات و دودستگی در نهضت اسلامی جوانان مسلمان
۲۹۲	وضعیت و تعداد مبارزان مسلمان در زندان‌های رژیم محمدداوود
۳۰۵	تأثیر قیام‌ها و مبارزات مبارزان مسلمان بر سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم محمدداوود
۳۰۹	عدم پذیرش خواسته‌های مسلمانان مبارز از طرف سردار داوود و افعال و ...

فصل هفتم

۳۱۵	مسافرت‌های رسمی محمدداوود به خارج از کشور و مناسبات و سیاست خارجی دولت جمهوری او
-----	---

- ۳۱۵ ادامه‌ی سیاست خارجی گذشته و مسافرت‌های محمدداوود به اتحاد شوروی
- ۳۱۷ سفر اول محمدداوود به اتحاد شوروی
- ۳۲۰ سفر دوم محمدداوود به اتحاد شوروی
- ۳۲۵ سیاست خارجی جدید محمدداوود و مسافرت‌های او به کشورهای اسلامی
- ۳۲۷ مسافرت محمدداوود به عربستان سعودی
- ۳۲۹ مسافرت محمدداوود به ایران
- ۳۳۶ مسافرت محمدداوود به کشور اسلامی پاکستان
- ۳۳۹ مسافرت اول محمدداوود به پاکستان
- ۳۴۳ مسافرت دوم محمدداوود به پاکستان
- ۳۴۶ مسافرت محمدداوود به کشور لیبی
- ۳۴۶ مسافرت محمدداوود به کشور ترکیه
- ۳۴۶ مسافرت محمدداوود به جمهوری عراق
- ۳۴۷ مسافرت محمدداوود به کشور کویت
- ۳۴۷ مسافرت محمدداوود به جمهوری مصر
- ۳۴۸ مسافرت‌های محمدداوود به کشورهای دیگر
- ۳۴۸ مسافرت محمدداوود به کشور سریلانکا
- ۳۴۸ مسافرت محمدداوود به یوگسلاوی
- ۳۴۹ مسافرت محمدداوود به کشور هند
- ۳۵۰ تلاش‌های محمدداوود برای نزدیک شدن به آمریکا و مسافرت به آن کشور

فصل هشتم

- ۳۵۵ قراردادها و موافقت‌نامه‌های رژیم جمهوری محمدداوود با کشورهای خارجی
- ۳۵۵ موافقت‌نامه‌های دولت محمدداوود با اتحاد شوروی
- ۳۶۹ قراردادهای دولت محمدداوود با دیگر ممالک بلوک شرق
- ۳۷۰ توافق‌نامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری محمدداوود با کشورهای اسلام
- ۳۷۱ موافقت‌نامه همکاری‌های اقتصادی ایران با افغانستان
- ۳۷۱ موافقت‌نامه‌ی همکاری‌های اقتصادی و تخنیکی و فرهنگی بین افغانستان و لیبی
- ۳۷۲ توافق‌نامه‌ی ترانزیتی و ترانسپورتی بین افغانستان و ترکیه
- ۳۷۲ قرارداد قرض هشت میلیون دلاری بانک انکشاف اسلامی به افغانستان
- ۳۷۲ توافق‌نامه‌ی همکاری‌های اقتصادی عربستان سعودی با افغانستان
- ۳۷۳ قرارداد همکاری‌های اقتصادی و مالی کویت با افغانستان
- ۳۷۳ موافقت‌نامه‌ی کمک‌ها و همکاری‌های مصر با افغانستان
- ۳۷۳ معاهدات و توافق‌نامه‌های دولت محمدداوود با سایر کشورها

فصل نهم

- ۳۷۹ ماجراها و ترورهای مرموز، گسترش ناامنی‌ها و پایان کار رژیم جمهوریت
 ۳۸۱ کشف دسته‌جمعی اجساد زندانیان در قلعه‌ای در اطراف کابل
 ۳۸۲ جریان ربوده شدن پسر یکی از جنرالان سابق ارتش
 ۳۸۳ حادثه‌ی کشته شدن انعام‌الحق گران‌پیلوت شرکت آریانا
 ۳۸۴ قتل علی‌احمد خُرم وزیر پلان دولت جمهوری
 ۳۹۳ شرح حال و پایان کار مرجان
 ۳۹۵ ترور میراکم خبیر تنورسین و عضو برجسته‌ی هیأت رهبری حزب دموکراتیک خلق
 ۳۹۵ شرح حال میراکم خبیر
 ۴۰۰ چگونگی کشته شدن میراکم خبیر
 ۴۰۸ دستگیری سران حزب دموکراتیک خلق و سقوط دولت پنج‌ساله‌ی محمدداوود

فصل دهم

- ۴۲۳ ماجرای کشته شدن محمدداوود: همراه خانواده و نزدیکان و همکاران او
 ۴۲۳ خلقی‌ها از ترس‌شان محمدداوود و میراکم خبیر را ترور کردند
 ۴۲۵ مخالفت ببرک با کشته شدن محمدداوود
 ۴۲۸ محمدداوود چه زمانی کشته شد؟
 ۴۳۵ چگونگی کشته شدن محمدداوود
 ۴۳۹ نحوه‌ی کشته شدن خانواده‌ی محمدداوود و میراکم خبیر
 ۴۴۴ هویت و آمار کشته‌شدگان خانواده‌ی محمدداوود و دیگر هم‌زمان او
 ۴۴۶ هویت و تعداد زخمی‌شدگان خانواده‌ی محمدداوود
 ۴۴۷ بازماندگان و نجات‌یافتگان خانواده‌ی محمدداوود

فصل یازدهم

- ۴۵۳ شرح حال و زندگینامه‌ی محمدداوود
 ۴۵۳ پیشینه‌ی خانوادگی محمدداوود
 ۴۵۶ دوران طفولیت و نوجوانی و تحصیلات محمدداوود
 ۴۵۷ فعالیت‌های سیاسی و سمت‌های دولتی محمدداوود
 ۴۶۱ ویژگی‌ها و خصلت‌های شخصی و خانوادگی محمدداوود
 ۴۶۲ خوی و خصلت محمدداوود در امور حکومت‌داری
 ۴۶۵ گرایش محمدداوود به اتحاد شوروی و نقش او در ایجاد حزب دموکراتیک خلق و...
 ۴۷۰ محمدداوود و قضیه‌ی پشتونستان
 ۴۷۴ نظریات صاحب‌نظران مسایل افغانستان درباره‌ی شخصیت سیاسی محمدداوود
 ۴۷۹ □ مأخذ و منابع
 ۴۸۵ □ تصاویر

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مؤلف بر چاپ اول

حمد و سپاس بی‌پایان به پروردگار عالمیان و درود و تحیات بر روان پاک بهترین عالم و پیامبر خاتم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و اطهار و اصحاب کبار آن حضرت. رحمت خدا بر امامان و پیشوایان دین، بر شهدا و مجاهدین، بر همه‌ی روان‌ها در این راه حق و عدالت و بر جمیع بندگان مؤمن و صالح آن ذات بی‌همتا در روی زمین. اما بعد این‌که:

در سال‌های پایانی دهه‌ی سیستاد خجسته‌ی دینی دنیا شاهد بود که ارتشیان متجاوز سرخ شوروی پس از شکست مفتضحانه در برابر اسلام و مجاهدین مسلم با سرافکندگی و شرمساری و بدون هیچ‌گونه دست‌آوردی - از افغانستان - به کشورشان برمی‌گشتند. آخرین حکومت دست‌نشانده روس‌ها (حکومت کمونیستی دکتر نجیب‌الله) نیز در کابل، به خاطر نداشتن پایگاه مردمی و تشدید مبارزات مجاهدین مسلمان و قهرمان افغانستان، به سوی سراسیمگی و سرنگونی به پیش می‌رفت، و قراین و شرایط، سقوط و انحلال امپراطوری تجاوزگر و ظالم شرق را بر مظلومین و مستضعفین جهان مژده می‌داد. در چنین اوضاع و احوال و در همین هنگامی که جهانیان نظاره‌گر شکست یک ابرقدرت تا دندان مسلحی پیرو مکتب الحادیه‌ی کمونیسم، در برابر ملت مسلمان مجهز به سلاح ایمان اسلامی و معتقد به قرآن آسمانی بودند، از قضا نگارنده به این فکر شدم تا رویدادها و وقایع این دوره تاریخی کشورم را به رشته‌ی تحریر در بیاورم و آن را به شکل کتابی تدوین و تألیف نمایم.

پیدا شدن این فکر و اندیشه در من نه انگیزه‌ی مادی و شخصی داشت و نه هدفی از حقیقت و حقوقی و یا منبغ داخلی و خارجی و یا میل و آرزوی دسترسی به مدارک علمی و مقام دولتی، مرا به انگیزه‌ی تسلی و ترویج نموده بود. آنچه موجب شده بود تا نگارنده به این فکر بیفتم و به چنین اقدام سخت و دشواری مبادرت ورزم، عبادت و عنایات قرآن عظیم‌الشان منشأ می‌گرفت؛ زیرا همان‌طوری که همه می‌دانیم قسمت اعظم این کتاب مقدس و آسمانی را شرح و بیان وقایع و رویدادهای تاریخ گذشته‌ی انبای بشر تشکیل می‌دهد. بر همین مبنا و با توجه به آیة‌ی مبارکه‌ی **لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ** (یوسف: ۱۱۱)، نگارنده نیز به این فکر افتادم تا وقایع و رویدادهای تاریخ معاصر کشورم را در حد توان خودم در چارچوب کتابی جمع‌آوری و بیان و ثبت و ضبط نمایم. تا هم از گزند خطرات احتمالی روزگار مصون بماند و هم درس عبرتی باشد برای نسل‌های امروزی و فردای کشور ما و دیگر مسلمانان، جهت ساختن آینده‌ی بهتر؛ چرا که در اثر ادامه‌ی درگیری‌ها و جنگ‌های پی‌در پی متجاوزین داخلی و خارجی این احتمال وجود داشت که وقایع و حوادث تاریخ معاصر کشور یا به صورت تحریف‌شده به نسل‌های بعدی منتقل شود و یا از ثبت و ضبط بازمانده و به کلی نابود گردد.

در واقع وقتی این فکر و ایده در ذهن نگارنده ایجاد شد، تمهیدات و مسئولیت‌های دینی و میهنی و اعتقاد و عشق و علاقه‌ی من نسبت به اسلام و میهن اسلامی و مردم مسلمان کشورم مرا بر آن واداشت تا هر چه سریع‌تر و بدون فوت وقت و هر طوری که شده در نوشتن و تألیف کتاب حاضر اقدام نمایم؛ چرا که تا این زمان کتاب جامع و کامل تاریخ معاصر افغانستان در بیشتر از نیم قرن گذشته، توسط نویسندگانی از جمع رعیت و با جهان‌بینی اسلامی، که دین را از سیاست و سیاست را از دین جدا نداند، در کشور ما نوشته نشده بود. و نگارنده خواستم با توکل بر پروردگار عالمیان و به امید عنایات ذات اقدس الهی، بدین وسیله این نقیصه‌ی مهم را جبران نمایم.

از جانب دیگر نه در سطح احزاب سیاسی و نه در سطح نشریات دولت‌ها و حکومت‌های گذشته (از محمدظاهر شاه گرفته تا دکتر نجیب‌الله) کتاب جامعی وجود نداشت که بتواند حداقل یک تصویر کلی و همه‌جانبه از تاریخ معاصر کشور را طی بیشتر از نیم قرن گذشته، به خوانندگان و علاقه‌مندان تاریخ مملکت ما ارائه بدهد. گرچه نویسندگان داخلی و خارجی زیادی در این زمینه و راجع به تاریخ این دوره کتاب‌هایی نوشته‌اند، ولی اکثر این کتاب‌ها پاسخگوی نیاز نسل جدید کشور به تاریخ معاصر افغانستان اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا عده‌ای از نویسندگان مذکور در جریان وقایع تاریخی کشور ما، آن‌قدری که لازم بود، نبوده‌اند و از دور و با مراجعه به کتب و منابع محدود، تاریخ معاصر مملکت ما را نوشته‌اند. عده‌ای دیگر هم تحت تأثیر نظرات و افکار و اندیشه‌های خود و حزب و گروه خویش و یا دولتی که در آن کار می‌کرده‌اند، کتاب‌هایی را در این زمینه تألیف کرده‌اند. برخی دیگر هم بنا بر توصیه‌ی کدام مرجع و منبع داخلی و یا خارجی و یا به خاطر کسب مدرک علمی رسیدن به موقعیت دولتی دست به چنین کاری زده‌اند و تعداد معدودی هم بخشی از تاریخ معاصر کشور را نوشته و به انتشار از آن گذشته‌اند.

به هر ترتیب در ابتدای کار فکر می‌کردم که این کتاب را به دو بخش تقسیم کنم. قسمت اول از وقایع و حوادثی را که مربوط به آغاز و اواسط دوران حاکمیت ظالمانه و غاصبانه‌ی کمونیست‌های شورشی (حزب دموکراتیک خلق) در افغانستان می‌شد و تا زمان شروع به کار حکومت دکتر نجیب‌الله (که در آن زمان در تبعید بود) ادامه می‌یافت، به رشته‌ی تحریر درآورم و آن را در کتاب مورد نظرم تدوین و تألیف نمایم. به همین خاطر به یادداشت‌برداری و مطالعه‌ی منابع و مآخذ مرتبط با این دوره و این موضوعات، کارم را آغاز نمودم. اما وقوع پی در پی حوادث و رویدادهای بعدی و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر و موقعیت متزلزل و رو به زوال حکومت کمونیستی دکتر نجیب‌الله، به سرفروزی و ضرورت درج و ثبت و ضبط همه‌ی حوادث تاریخی این دوره و ریشه‌یابی آن‌ها از طرف دیگر، مرا بر آن داشت تا منتظر تمام شدن حاکمیت ظالمانه‌ی کمونیست‌ها در کابل، یاقی بمانم. در واقع تصمیم گرفتم تا قدم را از این هم فراتر ببرم و مطالب و حوادث تاریخ معاصر کشور را از ابتدای به قدرت رسیدن کمونیست‌ها (آغاز حکومت به اصطلاح - افشاری و احمد تره‌کی) تا ختم آن (حکومت دکتر نجیب‌الله معدوم) در کتاب مورد نظر خویش جمع‌آوری و ضبط و ثبت نمایم و این کار بزرگ را با توکل بر خدا و به امید عنایات و توفیقات پروردگار عالمیان شروع کردم.

کمی بعدتر باز هم نظرم تغییر کرد؛ زیرا قضیه‌ی به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در افغانستان از زمینه‌ی داشت و به رجال و حکومت‌ها و دولت‌های قبل از آنان نیز مربوط می‌شد، و در حقیقت دولت‌های قبلی - سلطنت محمدظاهر شاه و جمهوریت سردار محمد داوود خان - زمینه‌ساز به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق در افغانستان بودند. به همین خاطر در نهایت امر به این نتیجه رسیدم و تصمیم گرفتم تا حوادث و رویدادها و مطالب تاریخی نیم قرن اخیر کشور را از ابتدای سلطنت متزلزل محمدظاهر شاه تا به سقوط دولت دست‌نشانده‌ی دکتر نجیب‌الله در شش جلد و با عناوین جداگانه‌ای رژیم‌های محمدظاهر شاه، محمد داوود، نورمحمد تره‌کی، حفیظ‌الله امین، ببرک کارمل و دکتر نجیب‌الله به نام «تاریخ معاصر افغانستان» به رشته‌ی تحریر درآورم.

با توجه به وسعت و گستردگی کار تحقیقی و تاریخی و مدت زمان طولانی این دوره که حدود بیش از نیم قرن

گزیده را دربر می‌گرفت، نوشتن و تألیف کتاب حاضر مشکلات بسیاری را برای نگارنده در پی داشت. اول از همه این‌که در عالم هجرت و دوری از وطن، به خاطر عدم دسترسی به منابع و مآخذ معتبر، آغاز و اجرای این کار برایم سخت و دشوار بود. اما به لطف خداوند، با مرور زمان و با مساعد شدن زمینه برای رفتن به داخل کشور و دستیابی به منابع داخلی، این کار برایم آسان شد و تحقیق و مطالعه و نوشتن مطالب کتاب مورد نظرم را با شور و شوق زیاد دنبال نمودم. مشکل دیگری که همواره مرا در نوشتن و تألیف این کتاب آزار می‌داد، بدخط‌بودنم بود. زیرا بر اثر بد نوشتن و بد نسخه‌برداری کردن، بارها برایم پیش آمده که یادداشت‌های خودم را، خودم خوانده نتوانم و مجبور شوم به کتب و منابعی که آن یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌ها را از آن‌ها برداشته بودم، بار دیگر مراجعه نمایم.

مزید بر این مشکل دیگری که در آغاز و جریان کار برایم پیش آمد، این بود که هنگام نوشتن این کتاب بعضی از دوستان، نگاران را از بازگو نمودن واقعیت‌های تاریخی و کارنامه‌های زشت و ناپسند گذشته‌ی شخصیت‌ها و احزاب و خاندان‌ها، برهمه‌پوشی‌های سابق بر حذر می‌داشتند و می‌ترسانیدند. این دوستان به من می‌گفتند نباید جنبه‌ها و عملکردهای منفی آنان در کتاب حاضر بیان و شرح داده شود؛ زیرا این کار برای آینده‌ی مؤلف کتاب مخاطره‌آمیز خواهد بود. نگارنده در جریان بحث با همکاران و ریح جز بیان و شرح واقعیت‌ها و کارنامه‌های زشت و زیبای گذشته چیزی دیگر نمی‌تواند باشد. همان‌طور که آن‌ها صورت اشیا را آن‌چنان‌که هست نشان می‌دهد، نگارنده نیز ناگزیرم هم خوبی‌ها و هم بدی‌های گذشته و گذشته‌های را، همان‌طور که بوده است بیان نمایم. و با توکل بر خدا و پناه بردن به درگاه او هراسی از این کار ندارم؛ چرا که هدف من از نوشتن کتاب حاضر بیان واقعیات و رویدادهای گذشته‌ی کشور به شکلی که واقع شده است می‌باشد، خواه زشت باشد خواه زیبا، خواه مثبت باشد و خواه منفی.

بدیهی است با شرح و بازگو نمودن درست و واقعیات و رویدادهای تاریخی گذشته، خصوصیت‌ها، نقاط ضعف و منفی و کارنامه‌های زشت و نادرست رجال، قومی، خانوادها، گروه‌ها و رژیم‌ها و دولت‌ها و حکومت‌ها، نیز بیان و آشکار می‌گردد، که البته این امر باعث رنجش خاطر و کینه و نفرت و فکر افراد وابسته به آن‌ها می‌شود. بنابراین اگر همچو موضوعی در نوشتن مطالب کتاب حاضر برای کسانی پیش می‌آید، نگارنده بی‌تقصیر و معذورم؛ چرا که من با هیچ شخصیتی، طایفه‌ای، گروهی و رژیم و دولتی خصومت و دشمنی شخصی نداشته‌ام و اگر نگارنده، اصل امانت را در بیان واقعیات گذشته‌ی تاریخی در کتاب حاضر رعایت نمی‌کردم، ناگزیر باید به مدح و ثنائی این و آن می‌پرداختم. در آن صورت محتوای این کتاب چیزی دیگری نمی‌بود جز متن آکنده از تملق و مدح و ستایش کس و یا کسانی و گروه و یا نظامی در جریان تاریخ گذشته‌ی کشور. از سوی دیگر با نوشتن همچو مطالبی هم وقت نگارنده به هدر می‌رفت و هم اوقات گران‌بهای خوانندگان بیهوده ضایع می‌گردید؛ زیرا گفته‌اند وقت طلاست و طلا را به همای‌تین از دست داد.

نگارنده در نوشتن و تألیف کتاب حاضر از شرح و بیان درست رویدادها و واقعیات‌های تاریخی ابراز نداشته و ندارم، بلکه از بیان و بازگو نمودن اشتباهی رویدادها و واقعیات‌ها در ارتباط با موارد فوق هراس داشتم و می‌ترسیدم که اگر در این کتاب بر اثر عدم آگاهی و یا درک و برداشت نادرست نگارنده از مسایل و قضایای تاریخی، در بیان شخصیت‌ها، گروه‌ها، خاندان‌ها، قومیت‌ها و حکومت‌ها و رژیم‌های گذشته‌ی کشور مطالب غلط و خلاف واقع بیان شده باشد، مؤلف از مربوطین و بستگان نهادها و رژیم‌ها و شخصیت‌های مذکور می‌خواهم با براهین و مستندات تاریخی آن را رد نموده و شکل درست و صحیح آن را برای ملت‌ها بیان نمایند و تذکر دهند. نگارنده نیز اگر زنده بودم بر خود واجب می‌دانم که آن را رد چاپ‌های بعدی مد نظر گرفته و مطالب نادرست و خلاف واقع مندرج در این کتاب را (اگر باشد) اصلاح و حذف نمایم.

افزون بر این در زمانی که این کتاب نوشته شده و یا در وقتی که خواننده‌ای مطالب آن را می‌خواند، ممکن است احزاب، شخصیت‌ها، خانوادها، دولت‌ها و حکومت‌هایی که از آن‌ها در کتاب حاضر نام برده شده و عملکردهای خوب و بد آن‌ها بیان و شرح داده شده است، دیگر وجود خارجی نداشته و جزء تاریخ گذشته شده باشند. اما همان‌طوری که در

ابتدای این مقدمه قبلاً گفتیم، آن چه برای همه‌ی ما و آیندگان درس عبرتی می‌آموزد، آشنایی با معلوماتی است که پیرامون کارنامه‌های سفید و سیاه آنان در این کتاب ارایه و به تصویر کشیده شده است. آن چه برای همه‌ی ما سودمند و با اهمیت است این است که با شناخت درست گذشته و آگاهی دقیق از آن، حال و آینده‌ی خود و کشور خویش را، مان‌طوری که منافع اسلامی و ملی ما ایجاب می‌کند، می‌توان ساخت و از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کرد؛ زیرا آدم صؤمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود.

همین‌طور یکی از مشکلات عمده‌ی دیگر نگارنده در نوشتن کتاب حاضر عدم تعلقات و وابستگی من به قدرت‌های حاکم حاضر و گذشته بود؛ زیرا مؤلف یک ژورنالیست عادی (و به قولی از جمع رعیت) بوده و هستم. نه با خاندان‌های سلطنتی، ارباب قدرت‌های گذشته کدام تعلقاتی داشته‌ام و نه وزیر و وکیل معروفی بوده‌ام و نه سرمایه‌مدار بزرگ و نامدار. وابسته به سیاست‌های طبقات و محافل حاکمه. بنابراین در جریان تحقیق و تألیف از یک سو دسترسی من به منابع و مآخذ مختلف کاری بس دشوار بود و از سوی دیگر در امر چاپ و تکثیر کتاب حاضر با مشکلات عدیده‌ای مواجه شدم که الحمدلله این مشکل نیز با الطاف بی‌پایان خداوند تعالی از سر راه من برداشته شد و من توانستم به کمک دوستانم به خوبی منابع و مآخذ و مقاماتی که می‌خواستم دسترسی پیدا نمایم و بسیاری از آن چه را که آرزو داشتم به دست بیاورم و بنویسم و تصحیف کنم و برای چاپ آماده نمایم.

یک چیز دیگری که من در جریان نوشتن این کتاب بسیار آزار می‌داد و برای نگارنده خیلی وقت‌گیر و رنج‌دهنده بود، تطبیق تاریخ‌ها (روز و ماه و سال) و مقایسه‌ی وقایع و حوادث مختلف تاریخی در منابع و مآخذ متعدد بود. به طوری که نگارنده در جریان کار تطبیق با این مسأله مواجه شدم که در یک منبع و کتاب تاریخی زمان و چگونگی وقوع یک حادثه و یک رویداد یکسان بود و در کتاب و منبع دیگر به نحوی دیگر ثبت شده بود و با هم تفاوت داشتند. همین‌طور در حین مطالعه‌ی مآخذ من به دو حالت رسیدم که اسم یک گروه و یا یک شخص و یا یک جا در یک منبع و یک کتاب با نام همان گروه و همان شخص و همان مکان در منبع و کتاب دیگر فرق داشت. علت این امر هم به نظر نگارنده این بوده که یا در اثر سهل‌انگاری و اشتباه مورخان نویسندگان این کار صورت گرفته است، و یا این که آن‌ها بنابر روال معمول، وقایع و رویدادها و مسایل تاریخی را در برهه‌ی دیدگاه‌ها و با ملاحظات و تحت تأثیر افکار و ایده‌های خویش و گروه‌ها و رژیم‌ها و شخصیت‌های مربوط به آن نوشته و تصحیف و بیان نموده‌اند.

نگارنده برای رفع این نقیصه که بسیار وقت‌گیر بود تلاش وسیع و کوشش زیادی نمودم و در حد امکان منابع و مآخذ و کتب متعدد و مختلف تاریخی را مطالعه و مرور و با هم مقایسه کردم. تمام تلاش و کوشش من در این بود تا علاوه بر برداشت‌ها و معلومات و نگرش شخصی‌ام (با وجود کامل و درست بودن در بسیاری از موارد)، اطلاعات، برداشت‌ها و سلايق و طرز فکرهای مختلف و متعدد محققان و نویسندگان دیگر را نیز، بدون توجه به رافضی‌مخالفت بودن آن‌ها با نظریات خودم، در شرح و بیان و تجزیه و تحلیل و بررسی وقایع و حوادث و مسایل تاریخی و نظریات و گروه‌ها و شخصیت‌ها و دولت‌ها در نظر داشته باشم. البته یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این که نه بیان و شرح بلکه در تحلیل و ارزیابی و موشکافی وقایع و رویدادها و مسایل تاریخی، جهان‌بینی نگارنده، که همان جهان‌بینی ملت مسلمان افغانستان است، حتماً دخالت داشته است؛ زیرا نگارنده ناگزیر بوده‌ام حوادث و وقایع و جریان‌ات تاریخی کشور را با میزان و معیار جهان‌بینی مردم خود تجزیه و تحلیل کنم. در هر صورت با وجود این، باز هم ممکن است در پاره‌ای از موارد تاریخی‌ها آن قدر بر رویدادها و حوادث و مسایل تاریخی و کارنامه‌ها و ویژگی‌های شخصیت‌ها و گروه‌ها و دولت‌ها سایه افکنده باشد، که آینه‌ی فکر و توانمندی قلم من نتوانسته باشد آن‌ها را به شکلی که بوده و صورت گرفته‌اند، بیان و تشریح و تفسیر نماید و بنویسد. بدین جهت امیدوارم علاقه‌مندان مسایل تاریخی و خوانندگان کتاب حاضر، از این رهگذر مرا مورد عنایت قرار دهند و عفو نمایند.

گذشته از مشکلات عیدیه فوق‌الذکر یک روش جدیدی را که نگارنده در نوشتن کتاب حاضر به کار برده‌ام اینست که فهرست مآخذ و مدارک و منابع هر صفحه و هر فصل را به جای این‌که در پاورقی و یا در پایان همان فصل بیآورم، آن را در متن مطالب کتاب گنجانیده‌ام و آورده‌ام؛ زیرا در جریان تحقیق و مطالعه، نگارنده به این نتیجه و باور رسیده‌ام، که مراجعه به پاورقی و یا پایان هر فصلی جهت دسترسی به مآخذ و منابع در هنگام مطالعه، فکر و حواس خواننده را پریشان و قدرت تمرکز او را بسیار کم می‌کند. به طوری که ذهن او نمی‌تواند مطالب را به خوبی و آن‌طوری که لازم است اخذ نماید، و وی وارد ماجراها و قضایا و موضوعات جانبی دیگر می‌شود.

هم‌چنان از مسایل دیگری که در کتاب حاضر شاید برای خوانندگان نازگی داشته باشد، به کار بردن لغات و کلمات و اصطلاحاتی است که در ادبیات معاصر کشور همسایه‌ی ما ایران اسلامی بیشتر به کار برده می‌شود. اما در ادبیات افغانستان در کتاب حاضر یا کمتر به کار گرفته می‌شود و یا این‌که اصلاً استعمال نمی‌گردد. این موضوع از مهاجرت نگارنده به جمهوری اسلامی ایران و اقامت طولانی مدت مؤلف (حدود سه دهه) به این کشور ناشی می‌شود. مهاجرتی که روزی تصور آن نیز منجمله‌ام نمی‌گنجید. اما بر اثر شعله‌ور شدن آتش جنگ تحمیلی، به وسیله‌ی ایادی دست‌نشانده‌ی مسکو و روس‌های متجاوز در افغانستان نیز همانند سایر هم‌وطنان مسلمانم آن را از لحاظ یک وجیهه‌ی شرعی پذیرفتم و عملی کردم. به علاوه، همان‌که کاربرد کلمات و اصطلاحات مذکور زمانی در نوشته‌های نگارنده بیشتر راه یافت، که من در جریان مهاجرت به این کشور، ای جهاد اسلامی افغانستان در مطبوعات ایران و نشریات مجاهدین مسلمان افغانستان در این کشور، به اقتضای زندگی روزمره‌ی نگاری، به نوشتن اشتغال داشتم.

البته این لغات و اصطلاحات مربوط به حوزه‌ی وسیع ادبیات زبان شیرین فارسی دری بوده و در گذشته‌های دور بیشتر آن‌ها در افغانستان امروزی کاربرد داشته‌اند. به این‌جا (ایران) آمده است. مثلاً کلمه‌ی سرهنگ (به معنی لواءشیر یا دگروال) در زمان امپراطوری غزنویان به معنی آن زمان کشور ما به کار می‌رفته و معمول و مروج بوده است. در حالی که این کلمه و نظایر آن امروز متأسفانه در افغانستان مورد بی‌مهری قرار گرفته و به کلی فراموش شده و در ایران کاربرد دارد. و یا کلمه‌ی همشیره که هنوز در افغانستان همان سابق کاربرد دارد ولی در ایران امروزی خیلی به ندرت استعمال می‌شود و جایش را به کلمه‌ی خواهر داده است. همین‌طور کلمات و اصطلاحات زیاد دیگری بوده که در اوایل سده‌ی اخیر هم در ایران و هم در افغانستان و هم در دیگر ساحات قلمرو زمانه‌ی این نگارنده در ایران و تاجیکستان و دیگر جاها به کار گرفته می‌شده است. اما امروز در وطن ما به فراموشی سپرده شده است. من در نوشتن و تألیف کتاب حاضر از آن‌ها استفاده کرده‌ام، مثلاً کلمه‌ی هلال احمر که بنابر دلایلی که در این مجلد، جایش را در افغانستان امروزی به سره می‌اشت داده است و یا کلمه‌ی محکمه که امروز در ایران به دادگاه عوض شده است.

اضافه بر این‌ها در لایله‌ی متن این کتاب نقل قول‌هایی از شخصیت‌ها و گروه‌ها و مقامات و اشخاص مختلف پیرامون وقایع و مطالب گوناگون تاریخی بیان گردیده و از معلومات و گفته‌های آن‌ها استفاده شده است. به همین جهت ذکر نام آن‌ها توأم با گفته‌هایشان به خاطر مسایل امنیتی و حفظ وجهت و شخصیت حقیقی و حقوقی آنان به ایشان مشکل‌ساز و در مواردی خطرآفرین بود، به اثر درخواست و تقاضای خود آن‌ها و یا لزوم دید نگارنده، از ذکر نام‌شان خودداری به عمل آمد. و در عوض با آوردن جملاتی چون یک منبع آگاه اظهار داشت و گفته می‌شود و امثال آن، این اشکال نیز برطرف گردید.

در هر حال علی‌رغم مشکلات و مسایل موجود، همان‌طوری که قبلاً تذکر داده شد، نگارنده در ابتدا مصمم بودم هر شش جلد کتاب «تاریخ معاصر افغانستان» را پس از تهیه و تألیف و آماده شدن در شش جلد جدا از هم و با عناوین جداگانه در یک زمان واحد به چاپ برسانم. اما وسعت بیش از حد کار تحقیقی و تاریخی و پراکنده بودن منابع و مآخذ مرتبط با آن باعث شد تا هر جلد را پس از آماده شدن به طور جداگانه چاپ و تکثیر نمایم. در همین راستا و در آغاز

کار الطاف الهی شامل حال من شد و از حسن تصادف از جمع شش جلد مورد نظر تنها جلد دوم آن، که حوادث و وقایع تاریخی‌ای کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه.ش و دوران حاکمیت رژیم نظامی و کودتایی محمد داوود خان را دربر می‌گیرد، قبل از همه تهیه و تألیف و آماده‌ی چاپ گردید. بنابراین تصمیم گرفتم تا همین جلد دوم را که تحت عنوان «کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و جمهوریت داوود خان» تألیف شده و به رشته‌ی تحریر درآمده است، به تنهایی به دست چاپ بسپارم و خدمت خوانندگان عزیز تقدیم نمایم.

از آنجایی که هر انسانی ممکن است در جریان عمل و اجرای کاری سهو و خطایی را مرتکب شود، نگارنده نیز شاید ناخواسته در نوشتن مطالب و مفردات و تألیف این جلد، کتاب حاضر دچار خطا و یا اشتباهی شده باشم. امیدوارم خوانندگان عزیز با بزرگواری و با تذکر و انتقادات سالم و سازنده‌شان مؤلف را در رفع این نقیصه (اگر موجود باشد) راهنمای کمک نمایند، تا در چاپ‌های بعدی اگر خدا بخواهد آن را مد نظر قرار بدهم و اصلاح نمایم.

پایان هر همه‌ی برادران و دوستان و مخصوصاً آقایان الحاج انجنیر وحیدالله سباون، الحاج دکر سیدحامد حسین میری و فرزندان ارجمند، سندس سیدمحمد مهدی رجوانی پیرزاده که نگارنده را در امر تألیف کتاب حاضر معاونت و یاری نموده‌اند، شکرتان را قدر می‌نمایم. از خداوند منان استدعا دارم تا مرا توفیق عنایت فرماید که در آینده‌ی نه چندان دور کار تألیف مجلدات دیگر کتاب «تاریخ معاصر افغانستان» را نیز به پایان برسانم و آن‌ها را چاپ و در دسترس علاقه‌مندان و خوانندگان عزیز قرار دهم. انشاءالله.

سیدابوذر (امان‌الله) پیرزاده حسینی غزنوی
اردیبهشت‌ماه (ثور) سال ۱۳۸۶ هجری شمسی
تهران — جمهوری اسلامی ایران

مقدمه‌ی مؤلف بر چاپ دوم

خدا را شکر گزارم که به من توفیق عنایت فرمود تا کتاب حاضر را برای چاپ دوم آماده نمایم. در چاپ اول، که کار تألیف آن در سال ۱۳۸۴ و انتشار و طبع آن در سال ۱۳۸۷ ه.ش در کابل پایان یافت، عنوان کلی و عمومی کتاب حاضر «تاریخ معاصر افغانستان» ذکر شده بود. اما در چاپ دوم بنابر تصمیم خودم و مشورت دوستان آن را به «تاریخ سیاسی افغانستان معاصر» تغییر نام دادم. علاوه بر این جهت بیان هر چه بهتر واقعیت‌های تاریخی کشور و همین‌طور برای برابری شدن هر چه بیشتر این اثر با چاپ دوم، مطالب جدید و تازه‌ای در متن کتاب و در لابلای فصول آن اضافه گردیده است.

امید است خوانندگان عزیز نگارنده را در اصلاح اغلاط و مطالب احتمالاً نادرست (که خواسته‌ی من نبوده است) کتاب حاضر یاری و مساعدت فرمایند. و من به نظریات، انتقادات و پیشنهادات سالم و سازنده‌ی ارایه شده از سوی خوانندگان در چاپ‌های بعدی و مجلدات دیگر این کتاب به‌طور جدی توجه مؤلف قرار خواهد گرفت و در بارور شدن هر چه بیشتر آن ممد و مؤثر واقع خواهد شد.

در اخیر یک بار دیگر از تمام دوستان و همکاران و بالخصوص از سالم، درگوار و جلیل‌القدر الحاج مولوی بهلول مدرس خطیبی، برادرزاده گرامی‌ام خانم دکتر سیده‌سوسن پیرزاده استاد دانشگاه در ایالات متحده آمریکا و فرزندان عزیزم سیدمحمدعلی رجوی پیرزاده استاد زبان انگلیسی و سیده‌هاجر رجوی پیرزاده کارشناس مسائل اقتصادی که نگارنده را در امر تألیف و تدوین کتاب حاضر تشویق و ترغیب و مساعدت نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. ضمناً به تاریخ دوستان و دانش‌پژوهان مؤدبه می‌دهم که کار جلد دیگر کتاب «تاریخ سیاسی افغانستان» را به «تاریخ افغانستان» تحت عنوان «کودتای خونین هفت ثور ۱۳۵۷ و رژیم کمونیستی نورمحمد تره‌کی» تقریباً به پایان رسیده و به زودی به چاپ خواهد پیوسته و در دسترس خوانندگان عزیز قرار خواهد گرفت. انشاءالله

سیدابوذر (امان‌الله) پیرزاده حسینی غزنوی

فروردین‌ماه (حمل) سال ۱۳۸۸ هجری شمسی

تهران - جمهوری اسلامی ایران

مقدمه مؤلف بر چاپ سوم

خداوند بخت را سپاسگزارم که با استعانت از الطاف بی‌پایانش توفیق حاصل نمودم، تا چاپ سوم کتاب «تاریخ سیاسی افغانستان معاصر» را در سال مبین اسلامی به اجرا در بیاورم. چاپ دوم کتاب حاضر به وسیله انتشارات «احسان» و به همت آقای مسعودین و مدیران متدین آن الحاج عبدالرحمان یعقوبی و حاج آقابوسف یعقوبی، که از شخصیت‌های خیر و نیکوکار جهان اسلام می‌باشند و در راه گسترش و توسعه فرهنگ پربار مردم مسلمان ایران و منطقه خدمات بس بزرگی را انجام داده‌اند، به اتمام رسید. این چاپ که در کشور دوست و برادر و همسایه ما جمهوری اسلامی ایران در نیمه اول سال ۱۳۸۹ هجری قمری به میان یافت، مورد استقبال بسیار گرم و کم‌نظیر تاریخ‌دوستان و دانش‌پژوهان داخل و خارج قرار گرفت.

استقبال گسترده از چاپ دوم «تاریخ سیاسی افغانستان معاصر» در مطبوعات داخلی و کشورهای مسلمان همسایه ما و تعریف و توصیف و تمجید تاریخ‌دوستان و پژوهشگران ایران و منطقه و هموطنان عزیزم در اروپا و امریکا، از کتاب حاضر و مؤلف آن، بالاتر از آن حدی بود که نگارنده بصیبت و شایستگی آن را داشته باشم. بدون شک این همه استقبال و تعریف و توصیف که دو نمونه از آن در ذیل این مقدمه آورده می‌شود، مایه افتخار و مباهات و دلگرمی نگارنده است و خواهد بود و مرا بیش از پیش در کار تدوین و تألیف خدمات بعدی ترغیب خواهد کرد. زیرا بدین وسیله ثمره سال‌ها تحقیق و زحمت‌کشی‌های خود را دریافت نمودم و به چهره مردم مباحثه کردم که بیان واقعیت‌های تاریخی کشور، اگر تلخ هم باشد، در نهایت مورد استقبال و تقدیر و تحسین همگان قرار خواهد شد.

شایسته است در این قسمت از همه دوستداران و علاقه‌مندان تاریخ و فرهنگ افغانستان، همه صاحب‌نظران و فرهیختگانی که با نوشته‌های‌شان در مطبوعات کشور و منطقه و با ارسال پیام‌های تشویق و محبت آمیز کتبی و شفاهی خویش نگارنده را، به خاطر چاپ دوم کتاب حاضر مورد لطف قرار داده‌اند، اظهار امتنان و تشکر می‌نمایم. در ضمن برای تمامی عزیزانی که در تألیف و تدوین چاپ‌های گذشته کتاب حاضر مرا مساعدت نموده‌اند، از خداوند منان خیر و اجر عظیم می‌خواهم و از همه آنها تشکر می‌کنم، به ویژه از شریک زندگی و همسر متدین و مبارز و بسیار مهربانم مرحومه مغفوره حاجیه خانم پروین رجوانی، که فداکاری‌ها و تشویق‌ها و ایده‌های انقلابی و روابط صمیمانه و مساعدت‌ها و همیاری‌های بی‌شائبه و مشفقانه او سبب شد تا من دوران دشوار جهاد و مقاومت و سال‌های سخت هجرت و دوری از وطن را با عزت و سربلندی بگذرانم و همچنان به مبارزه و نگاشتن و تحقیق و تألیف ادامه دهم، بی‌نهایت قدردانی می‌نمایم. و نسبت اینکه در چاپ‌های گذشته به لحاظ مشغله فکری و قصور ذهن از مرحومه مغفوره یاد نکرده بودم پوزش می‌طلبم و از درگاه رب‌العزت استدعا دارم تا وی را مشمول رحمت واسعه خویش بگرداند و برایش فردوس برین نصیب فرماید.

همین‌طور از یگانه برادر جلیل‌القدر و بزرگوارم فضیلت‌آب حاج سیدمحمد صدیق خان پیرزاده حفظه‌الله تعالی، که همه داشته‌های زندگی‌ام را مدیون زحمات ایشان می‌دانم، و از فرزندان دوست‌داشتنی‌ام هریک مهندس سیدمحمد مهدی رجوانی پیرزاده، آقای سیدمحمدعلی رجوانی پیرزاده و دوشیزه سرکار خانم سیده‌هاجر رجوانی پیرزاده، که با رهنمودهای سودمند خویش در امر تألیف تهیه و تصحیح مطالب چاپ‌های قبلی و فعلی کتاب حاضر مرا صمیمانه یاری رسانده‌اند، بسیار سپاسگذار هستم و برای‌شان به درگاه ایزد یکتا دعای خیر می‌کنم.

باید اضافه نمایم که چاپ سوم کتاب حاضر با راهنمایی‌های خردمندانه اندیشمندان و نویسندگان تراز اول کشور آقایان استاد سعید عمر اعزامی، از نخبگان جهاد و محقق و سردبیر نشریه «تفکر»، الحاج استاد محمدرحیم افضل‌ی ملقب به ابوالحسن، از پیشگامان نهضت اسلامی افغانستان و بنیان‌گذاران سازمان جهادی «اسلام مکتب توحید» و الحاج دکتر میرحامد حسین میری صاحب‌نظر در امور سیاسی منطقه و عضو هیأت تحریریه بخش روابط بین‌الملل روزنامه «اطلاعات» - جریوری اسلامی ایران، به پایه اکمال رسیده است.

در این سمت تذکر یک نکته را لازم می‌دانم و آن اینکه در چاپ سوم جز تصحیح بعضی از کلمات غلط تایپ‌شده و اضافه شدن تعدادی کلمات، تغییر عمده‌ی دیگری در متن کتاب وارد نشده است. امیدوارم چاپ حاضر که به وسیله برادر ارجمند استاد ایداد حسینی، صاحب انتشارات سعید منتشر شده است، همانند چاپ گذشته مورد قیول و استقبال علاقه‌مندان و دوستداران تاریخ و فرهنگ افغانستان اسلامی قرار گیرد.

در خاتمه از همه عزیزان دوستان و یاران چاپ سوم کتاب حاضر به من کمک کرده‌اند قدرانی و تشکر می‌کنم و از خداوند استدعا دارم تا برای‌شان پاداش بزرگ و سعادت پایدار اعطا فرماید. ضمناً همان‌طور که در چاپ دوم وعده داده بودم، باز هم تأکید می‌کنم و مژده می‌دهم که در آینده چندین دور، با استمداد از عنایات الهی، جلد دیگر کتاب «تاریخ سیاسی افغانستان معاصر» را تحت عنوان «کتاب دوم» به چاپ می‌رسانم. تاریخ ۱۳۵۷ و رژیم کمونیستی نورمحمد تره‌کی» به محققان و تاریخ‌پژوهان عزیز تقدیم خواهم کرد. انشاءالله

ایدار (الحق‌الله) پیرزاده حسینی غزنوی

خبرنامه (روزا) سال ۱۳۹۰ هجری شمسی

کابل - پور اسلام افغانستان

مقدمه مؤلف بر چاپ چهارم

آفریدگار بیان را حمد و ستایش می‌کنم و بر روان پاک تمامی پیامبران به ویژه خاتم آنان حضرت محمد مصطفی (ص) درود و تحیات فرستم، که به من استطاعت عطا فرمود تا به چاپ چهارم کتاب «تاریخ سیاسی افغانستان معاصر» کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و جمهوریت داوود خان» اقدام نمایم. چاپ سوم کتاب حاضر پارسال به کوشش انتشارات سعید و با توجه به خاصیت آن، جناب استاد سیداحمد سعید و فرزند برومندشان شیراحمد جان سعید، در افغانستان پایان یافت. این چاپ همانند گذشته مورد استقبال کم‌نظیر و بسیار خوب جمع کثیری از خوانندگان و علاقه‌مندان تاریخ و فرهنگ کشور عزیزمان قرار گرفت.

اما در کنار آن اقلیتی از هموطنان به روی داری کودتای نظامی‌شان را انقلاب ملی می‌خواندند، و با تحریف تاریخ کشور، و تحمیل تفکرات نارسا و ناقص خویش بر ملت عادی کردند، نوشتار نقدگونه‌ای را تحت عنوان «چرا اتهام؟» و با نام احتمالاً مستعار «خان آقا سید» در نکوهش از کتاب و نگارنده آن به چاپ رسانیدند. این بزرگواران انحصارگرا که با عصبیت همواره رویدادهای تاریخی را در منافع شخصی خویش ارزیابی می‌کنند و هنوز هم به یاد اقتدار غاصبانه و ازدست‌رفته خود و رهبران‌شان خواب‌های آشوب می‌بینند، غافل از آنند که با چنین تلاش‌های مذبح‌خانه نمی‌شود واقعیت‌های تاریخی را وارونه جلوه داد و آن را از انتظار مردم دور نگه داشت. زیرا گفته‌اند که: «آفتاب را با دو انگشت نمی‌توان پنهان کرد».

علاوه بر این در جریان حدود دوسالی که گذشت، کتاب حاضر در دو نوبت بطریق غیر قانونی و با کیفیت بسیار پایین و بدون اذن و اجازه مؤلف، از طرف اشخاص سودجو و منفعت‌طلب در خارج کشور (کشور پاکستان) طبع، و در داخل و بیرون از میهن اسلامی مان پخش و توزیع گردید که این عمل، سرقت آشکار و به تعبیری دیگر، زردی مطبوعاتی به شمار رفته و نگارنده هرگز اینها را نمی‌بخشم و برایشان از درگاه خداوند منتقم عذاب سخت در توبه‌ناک آرزو می‌کنم. چرا که این افراد به خاطر تأمین منافع مادی خویش ماحصل سال‌ها رنج و زحمات را چپاول نموده و مالکیت معنوی ام دست‌درازی و آن را غصب کرده‌اند.

البته رویکرد زشت و ناصواب مذکور، ضعف و ناتوانی و بی‌کفایتی دست‌اندرکاران و متولیان امور فرهنگی رژیم کنونی افغانستان و به ویژه سوء مدیریت و عدم کفایت وزیر اطلاعات و کلتور بر حال را، نیز به نمایش می‌گذارد. زیرا در کشوری که قانون کپی رایت رسمیت نیافته و هرکس به نام آزادی بیان هر چه دلش می‌خواهد انجام می‌دهد، خواهی نخواهی حاصل سال‌ها زحمت و پژوهش یک مؤلف و نویسنده به سادگی مورد دستبرد و غارت قرار می‌گیرد، و در چنین شرایط دردناکی جز همچو اعمال وقیحانه، چیز دیگری را نمی‌توان انتظار داشت.

به هر حال جای بسی مسرت و خوشی می‌باشد که کتاب حاضر باز هم در خارج و در کشور برادر و همسایه ما

جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه قرار گرفته و این بار با عنایات برادر اندیشمند و هموطن ما محمد ابراهیم شریعتی و از جانب مؤسسه انتشارات عرفان متعلق به ایشان، اقبال چاپ یافته است. لازم به ذکر می‌دانم در این قسمت، از برادر بسیار عزیز آقای شریعتی که انتشارات عرفان با مدیریت مدبرانه و همت والای ایشان گام‌های استوار و بزرگی را در جهت رشد و شکوفایی فرهنگ و تاریخ مسلمانان منطقه و کشورمان، برداشته و کتاب نگارنده را نیز برای بار چهارم به زیور طبع آراسته‌اند، اظهار سپاس و امتنان نمایم. امیدوارم که چاپ جدید نیز چون گذشته‌ها، با استقبال کم‌سابقه خوانندگان عزیز مواجه شود.

در اخیر این مقدمه از همه دست‌اندرکارانی که در چاپ‌های قبلی و فعلی کتاب حاضر مؤلف را مساعدت و معاونت نموده‌اند یک بار دیگر قدردانی می‌نمایم و برای همه آنها دعای خیر می‌کنم. همان‌طوری که در چاپ‌های قبلی وعده داده بودم، امیدوارم با استعانت از الطاف بی‌پایان خداوند بزرگ در آینده نه چندان دور، جلد دیگر کتاب تاریخ سیاسی افغانستان معاصر را تحت عنوان «کودتای خونین ۷ ثور ۱۳۵۷ و رژیم کمونیستی نورمحمد تره‌کی» به تاریخ‌پژوهان و علاقه‌مندان فرهنگ و تاریخ کشور، تقدیم نمایم.

از خداوند منان استدعا می‌کنم اقدامات و زحمات و کوشش‌هایی را که در طول سالیان دراز برای تألیف و تدوین این کتاب انجام داده‌ام، بدرگاه خویش بذریخته و آن را در میزان حسنات من حساب فرماید. و به برکت خون‌های پاک شهدای عزیزی که در کتاب مؤلف از آنها نام برده شده است، مرا مشمول رحمت و مغفرت بی‌پایان خویش بگرداند. همین‌طور از خوانندگان عزیز و پیشگامان و تاریخ‌دوستان گرانقدر عاجزانه تمنا دارم، ضمن مطالعه و استفاده از مطالب کتاب حاضر، نگارنده را به اشتیاقات راهنمایی نموده و برای مؤلف دعای خیر و طلب غفران نمایند. انشاءالله.

سیدابوذر (امان‌الله) پیرزاده حسینی غزنوی

فروردین ماه (حمل) سال ۱۳۹۱ هجری شمسی

تهران - جمهوری اسلامی ایران